طلیعه

ایران و واقعیت‌های جدید خاورمیانه

حامد طبیبی

● بازگشت به دیپلماسی دوران اصلاحات در حوزه عربی و منطقه‌ای، نزدیک‌ترین احتمالی بود که فردای انتخابات خرداد ۹۲ درباره جهت‌گیری حسن روحانی و وزارت خارجه دولت او داده می‌شد. در دوران هشت‌ساله حضور اصولگرایان در مجلس و دولت محمود احمدی‌نژاد، برخی بدیهیات سیاست خارجی نادیده گرفته شد و بیشتر دیپلمات‌هایی که ثمره سال‌ها آزمون و خطا در دولت‌های پس از انقلاب و درست در سن بازدهی حداکثری کاری بودند، به سمت درِ حیاط‌خلوت وزارت خارجه راهنمایی شدند.

درباره جهت‌گیری‌های ناگهانی رئیس دولت‌های نهم و دهم که به آن عنوان نامأنوس و عجیب «دیپلماسی تهاجمی» داده شده بود هم حرف و سخن بسیار رفته است؛ از شعار «گردش به شرق» و توهم شراکت راهبردی با کشورهای فقیر آمریکای لاتین گرفته تا حضور در اجلاس شورای همکاری خلیج‌فارس و نشستن زیر تابلوی «خلیج‌الدول ...» و ادعای بازگشایی ۲۴ساعته سفارت‌های مصر و ایران در قاهره و تهران. حضور در دانشگاه کلمبیا، چگونگی استفاده از تریبون مجمع عمومی سازمان ملل و ده‌ها اثر بدیع دیگر هم که نیازی به یادآوری ندارد. بااین‌حال اگر روزگار تیره روابط با غرب را محصول نگاه احمدی‌نژاد بدانیم، ادعاهای او درباره استفاده از روابط منطقه‌ای نیز به‌دلیل درک نادرست از روند ارتباط کشورهای ضعیف با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، خیلی زود رنگ باخت. پیش از آن به‌دلیل نگاه خاص جهان و منطقه به ایران، پایه‌ریزی دیپلماسی منطقه‌ای فعال توسط وزارت خارجه وقت، شرایط منطقه‌ای کم‌نظیری را برای کشور فراهم کرده بود.

نگاه منطقی «عبدالله بن‌عبدالعزیز»، پادشاه فقید عربستان، به مسائل جهان اسلام و ایران و استقبال به‌موقع ایران از این فرصت سبب شد بالاترین سند همکاری؛ یعنی همکاری‌های امنیتی با ابتکار سیدمحمد صدر، معاون وقت عربی و آفریقای وزارت خارجه، امضای دو کشور همیشه رقیب را پای خود ببیند. از آن سال‌ها بیش از ۱۰ سال می‌گذرد و خاورمیانه بحران‌زده، امروز سیمایی دگرگونه یافته است. سعودی‌ها هیأت حاکمه‌ای جدید را در رأس امور کشور خود می‌بینند که برخلاف دوران ملک عبدالله و وزارت خارجه سعود الفصیل، سود خود را در ایجاد تنش با ایران جست‌وجو می‌کنند. ظریف و روحانی بر آن شدند تا با یادآوری «برادری» میان مسلمانان، توضیح شرایط جدید ایران و حتی فرستادن چهره‌ای مانند حسین صادقی به‌عنوان سفیری کارکشته و متبحر در امور عربستان، این دروازه ورودی به جهان عرب را فتح کنند؛ اما چنین نشد.

شاید تصور این بود که اعراب با یادآوری دوران احمدی‌نژاد، دست دوستی حسن روحانی را رد نکنند؛ اما دیپلماسی جدی در جهان منافع‌محور امروز، گویی با دوگانه «دیو و دلبر» هم میانه چندانی ندارد. به‌ویژه اگر این شرایط در منطقه پرتضاد خاورمیانه باشد که کشورهای آن، کمترین درکی از حرکت‌های همسو و اهمیت اتحادیه‌های منطقه‌ای در رشد و توسعه هم‌زمان همه همسایگان ندارند. منطقه‌ای که به‌نوعی محمل رشد تروریسم تکفیری افراطی با دست‌مایه قراردادن برداشت‌های رادیکال از اسلام به شمار می‌رود و طرف‌های فرامنطقه‌ای هم در سال‌های گذشته بی‌توجه به «طوفانی» که نشان داد می‌تواند آمریکا و اروپا را هم درنوردد، در آن «باد» کشتند یا حداقل، مانع رشد افراطی‌گری در آن نشدند.

اگرچه در دوسال‌ونیم گذشته و پس از حضور محمدجواد ظریف و تیم او در ساختمان سی تیر، کارشناسان زبده هدایت‌شده به حیاط‌خلوت، به‌تدریج به مصدر امور بازگشتند؛ اما هم‌وغم دیپلمات‌ها، ماراتن مذاکرات ۲۲ماهه هسته‌ای با شش قدرت جهانی بود که سال گذشته به توافق «برجام» ختم شد. چه در آن دوران و چه پس از آن، منطقه و همسایگان از نظر ظریف و معاونانش دور نماند؛ اما به دلایلی که در ادامه می‌آید، شاید سقف تلاش‌های منطقه‌ای، همین میزانی بود که تا امروز انجام شده و بیش از آن، امکان شکل‌گیری نداشته و ندارد. چند پارامتر مهم، فضای خاورمیانه را نسبت به گذشته با تغییرات جدی مواجه کرده است. مسئله سوریه و جنگ‌های نیابتی در آن، نوعی بازی «مرگ و زندگی» را رقم زده که برخی کشورها در منطقه و ایالات متحده و روسیه از ورای منطقه، کاملا در آن درگیر هستند. میزان هزینه‌ای هم که ازسوی طرف‌های مختلف می‌شود، به‌حدی است که چشمان اعراب حامی گروه‌های تکفیری را کاملا به روی واقعیات میدانی بسته است.

ادامه در صفحه ۱۵

چرا اعراب منطقه با وجود تجربه دوران احمدی‌نژاد، از فرصت دولت روحانی استفاده نمی‌کنند؟

دالان صعب‌العبور منطقه

نیلوفر منصوریان

عکس: AFP

«اولویت دولت در سیاست خارجی، روابط دوستانه و نزدیک با همه همسایگان خواهد بود». این پیامی بود که حسن روحانی در اولین نشست خبری با رسانه‌ها در ۲۷ خرداد ۹۲ به همسایگان ایران داد و آنها را به آب‌شدن یخ‌های رابطه‌شان با ایران امیدوار کرد؛ یخ‌هایی که از دوران احمدی‌نژاد شکل گرفته بود و اوج تنش با همسایگان به‌ویژه اعراب را رقم زده بود. تجربه سه سال گذشته نشان می‌دهد با وجود ارسال این پیام، پیش‌بینی دولت یازدهم برای خاموش‌کردن آتش اختلافات با کشورهای عرب همسایه و البته ترکیه، هنوز کارساز نشده است. آنچه این تلاش‌ها را خنثی کرد، نگرانی شدید کشورهای عرب منطقه و در صدر آنها عربستان از توافق هسته‌ای ایران با آمریکا در رأس کشورهای عضو گروه ۱+۵ بود. علاوه بر اینکه سعودی‌ها از این توافق نگران هستند تا جایی که حتی دیگر کشورهای عرب منطقه را به برهم‌زدن روابطشان با ایران به هر بهانه‌ای تشویق می‌کنند، به اندازه کافی دلایل دیگری برای خود فهرست کرده‌اند که با ایران، شرایط خصومت را تداوم ببخشند. این درحالی است که رئیس‌جمهوری در اولین نشست خبری در سال ۹۲ از عربستان به‌عنوان کشور «همسایه و برادر» یاد کرد و حتی اظهارامیدواری کرد دولتش، روابط خوبی با عربستان‌سعودی داشته باشد. هرچند در روزهای نخست آغازبه‌کار دولت یازدهم ریاض نیز به دنبال پیام تهران برای بهبود روابطش، قدم‌هایی را برای پاک‌کردن خط و خطوط تنش در برگه روابط دیپلماتیک با ایران برداشت، اما هرچه ایران و آمریکا به توافق نهایی نزدیک‌تر شدند، عربستان از ایران دورتر شد. مقامات ریاض بر این باورند که با توافق هسته‌ای و رفع اختلافات دیرینه تهران -واشنگتن، قدرت منطقه‌ای این کشور کاهش پیدا کرده و نفوذ ایران به تبع آن در منطقه نیز افزایش پیدا کرده است.

به‌همین‌دلیل ریاض در تمام دو سالی که مذاکرات در جریان بود، تلاش کرد تا دیگر کشورهای عرب منطقه را با خود همسو کند؛ البته برخی از اقدامات از سوی گروه‌های مخالف دولت در داخل هم به مقامات عربستان برای پیش‌بردن پروژه ایران‌هراسی کمک کرده است. بیان برخی عبارات غیرضرور از سوی افراد غیرمسئول در تریبون‌هایی که فقط کارکرد داخلی ندارند و می‌توانند بهانه به دست طرف‌های خارجی بدهند، حمله به سفارت عربستان به بهانه اعدام شیخ‌نمرالنمر، روحانی شیعه از سوی برخی نیروهای خاص و برخی اقدامات خارج از دستگاه دیپلماسی از مسائلی بود که به عربستان برای قطع کامل روابط با تهران کمک کرد. این در حالی بود که تهران در حال رایزنی با مقامات ریاض برای پیگیری حادثه منا و ماجرای تعرض به دو نوجوان در فرودگاه جده بود و می‌توانست از بی‌مسئولیتی عربستان در قبال زائران ایرانی شکایت کند. جامعه جهانی و افکار عمومی جهان و مسلمانان، اعدام دسته جمعی تعدادی از شهروندان سعودی و یک روحانی منتقد غیرمسلح را آن هم با آن شکل‌وشمایل قرون وسطایی محکوم کردند و حتی مقامات ارشد غربی وادار به واکنش شدند اما حمله به سفارت سعودی در تهران باعث شد جهت و روند مسائل بین دو کشور عوض شود و ورق را به نفع عربستان برگرداند. البته، قطع روابط، تنها واکنش عربستان نبود. ریاض به این بهانه و شاید با وعده حمایت مالی به برخی کشورهای ضعیف و فقیر عربی همچون سومالی، سودان، جیبوتی، بحرین و کومور، از آنها خواست تا روابط خود را با ایران قطع کنند. همچنین به دنبال این درخواست برخی کشورها چون امارات سطح روابط خود را با ایران به «کاردار» تنزل دادند.

سناریوهای سعودی

رفتار تهاجمی عربستان در قبال ایران البته تا حد زیادی متأثر از روی‌کارآمدن ملک سلمان و تیم او و فاصله‌گرفتن مقامات این کشور از خردگرایی به دلیل ترس آنها از نزدیک‌شدن آمریکا به ایران است. ازهمین‌رو مقامات سعودی سناریوی تازه‌ای را در قبال ایران طراحی کرده‌اند که تضعیف نفوذ ایران در کشورهای عربی تنها یکی از بخش‌های این سناریوی سعودی است.

درواقع بعد از حمله به سفارت عربستان در تهران، مقامات ریاض به دنبال هدف دیگر خود در این سناریو که همان تشکیل یک ائتلاف عربی در قبال ایران است، رفته‌اند. البته گسترش این ائتلاف به دیگر کشورهای منطقه یکی دیگر از بخش‌های سناریوی تیم جدید حکومتی در عربستان است. آخرین نمونه آن احضار سفیر اردن به کشورش به بهانه دخالت ایران در امور داخلی امان است که چند روز پس از اقدامات ضدایرانی عربستان در نشست سازمان همکاری‌های اسلامی در استانبول صورت گرفت.

اما در شرایطی که عربستان سرگرم یارگیری در منطقه و افزایش سطح تخاصم با ایران به بهانه دخالت تهران در امور داخلی کشورهاست، بسیاری از کارشناسان معتقدند مقامات ایران نیز باید از فرصت‌هایی که این روزها برای فشار بر عربستان فراهم شده است، استفاده کنند. به اعتقاد آنها، یکی از این فرصت‌ها اعلام دخالت عربستان در حوادث ۱۱ سپتامبر است که چندی پیش در قالب اسنادی محرمانه در رسانه‌ها منتشر شد.

هر چند دولت باراک‌اوباما اعلام کرده است که هرگونه شکایت از عربستان دراین‌باره را «وتو» خواهد کرد، اما به باور بسیاری حوادث مربوط به ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اخیرا باعث به وجودآمدن اختلافاتی بین آل‌سعود و آمریکا شده و این همان موضوعی است که تهران می‌تواند آن را برجسته کند. ایران درعین‌حال باید با توجه به رفتارهای رادیکال عربستان در منطقه، سعی در برجسته نشان‌دادن چنین رفتارهایی از سوی عربستان در عرصه بین‌الملل و بین شرکای منطقه‌ای این کشور کند و به‌این‌ترتیب با فشار بر ریاض، حاکمان سعودی را وادار به تغییر رفتارهایشان کند. این دسته از کارشناسان معتقدند از آنجا که عربستان در یک سال گذشته تلاش کرده تا بحران تصنعی را که در رابطه با ایران ایجاد کرده تشدید کند، ایران نیز باید خود را از زنجیره این بحران تصنعی دور نگه دارد و در نهایت عربستان را به‌دلیل رفتارهایش منزوی کند.

البته ایران تاکنون با هوشیاری توانسته خود را از بحرانی که هر روز مقامات ریاض بر آن دامن می‌زنند، دور نگه دارد. نمونه آن مواضعی است که مقامات تهران بعد از حمله به سفارت عربستان اتخاذ کردند و حتی در این ارتباط با متخلفان این ماجرا نیز برخورد کردند.

بااین‌حال عربستان در یک سال گذشته بعد از اجرائی‌شدن برجام، دست به اقدامات زیادی علیه ایران در منطقه زده است. آخرین نمونه آن بیانیه ضدایرانی بود که با تلاش عربستان در سیزدهمین کنفرانس سران سازمان همکاری اسلامی که فروردین ماه به میزبانی ترکیه در استانبول برگزار شد، تنظیم شد و ایران را به دخالت در کشورهای منطقه و چندین کشور اسلامی دیگر جهان مانند یمن، سوریه، بحرین و سومالی متهم کرد.

دولت روحانی اگرچه دو سال از عمرش را صرف مذاکرات سخت و فشرده با کشورهای گروه ۱+۵ برای دستیابی به توافق هسته‌ای کرد، اما بلافاصله بعد از رسیدن به توافق و اجرائی‌شدن برجام، سفرهای منطقه‌ای را در دستور کار قرار داد؛ سفرهایی که اگرچه برخی آن را دیر هنگام توصیف می‌کنند اما به باور بسیاری، آغاز این سفرها پس از برجام به دلیل بالارفتن شأن منطقه‌ای ایران و اعلام این نکته به جامعه جهانی که ایران حل مشکلات را با گفت‌وگو و دیپلماسی به جنگ و تخاصم ترجیح می‌دهد، اهمیت این سفرها و حضور مقامات ایران در کشورهای منطقه را بیشتر کرد.

با توجه به این مسئله محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پس از دستیابی به برجام، اولین سفر خارجی خود به منطقه را به کویت و با هدف گسترش روابط با همسایگان جنوبی ایران آغاز کرد. او همچنین در اولین مرحله از سفرش به منطقه با مقامات قطر و عراق دیدار کرد.

ظریف همچنین در دومین مرحله از سفر منطقه‌ای خود، به لبنان سفر کرد و با مقامات این کشور به گفت‌وگو پرداخت و از آنجا راهی دمشق شد و با بشار اسد، رئیس‌جمهور و ولیدالمعلم، همتای سوری خود دیدار و بحث و تبادل‌نظر کرد.

وزیر خارجه پس از آن راهی پاکستان و هند شد. به‌این‌ترتیب دولت یازدهم پس از به سرانجام‌رسیدن برجام، دست به توسعه روابطش با کشورهای منطقه زد تا شعار دولت تدبیر و امید برای ارتباط نزدیک و دوستانه با همسایگان را عملی کند.

اما این تنها کشورهای عرب منطقه نیستند که ایران تلاش کرد تا خاطرات تلخ سال‌های گذشته را در عرصه دیپلماسی از ذهن آنها پاک کند و به ترمیم رابطه با آنها دست بزند. در واقع دولت روحانی تلاش کرد تا وضعیت روابط کشور با همسایگان را که به دلیل سیاست‌های غلط دولت‌های نهم و دهم به مرز هشدار رسیده بود، بهبود ببخشد.

همسایگان شمال‌غربی آذربایجان و ترکیه، دو کشوری بودند که روابطشان با ایران سرد و خاکستری بود؛ اما دولت یازدهم در راستای سیاست بهبود رابطه با دنیا و همسایگان برای ازبین‌رفتن این فضای خاکستری دیپلماتیک تلاش‌های زیادی کرد. سفر رئیس‌جمهور آذربایجان به ایران پس از اجرائی‌شدن برجام و امضای ۱۱ موافقت‌نامه و یادداشت تفاهم‌نامه میان دو کشور بیانگر بهبود روابط ایران با این همسایه شمالی است.

در این میان ترکیه حکایت دیگری دارد. آنچه تا حد زیادی بر روابط تهران و آنکارا سایه انداخته است، مواضع متفاوت دو کشور درباره سوریه است. بااین‌حال سفر اخیر حسن روحانی، رئیس‌جمهوری به ترکیه وگفت‌وگوهایشان بیانگر آن است که باوجود اختلافاتی که دو کشور با یکدیگر دارند، هر دو در تلاشند تا مواضع سیاسی و دیپلماتیک‌شان را به یکدیگر نزدیک کنند. ایران و ترکیه نمی‌توانند یکدیگر را نادیده بگیرند، اما رفتارهای خاص اردوغان و تز سیاسی حزب عدالت و توسعه که داوود اوغلو پایه‌گذار آن است، نقطه مقابل دیدگاه‌های ایران است.

با تمام اینها به نظر می‌رسد دولت یازدهم همچنان راه ناهمواری را برای بهبود یا ثابت نگه‌داشتن این فضای دوستی در پیش دارد.

برجام اگرچه توانست راه را برای توسعه رابطه با کشورهای اروپایی هموار کند و حتی تابوی گفت‌وگو با آمریکا را پس از سه دهه بشکند، اما سنگ‌های زیادی را پیش‌پای دولتمردان برای بهبود روابطشان در منطقه انداخته است. آنچه پیداست با توافق هسته‌ای حالا دیگر موانع اقتصادی از پیش پای ایران برای توسعه تجارت با دنیا برداشته شده است. ازهمین‌رو بسیاری از کشورهای منطقه از حضور روزافزون سرمایه‌گذاران اروپایی در ایران نگران هستند و ازاین‌رو بعید نیست که برای برهم‌زدن امنیت منطقه و ناامن جلوه‌دادن ایران دست به هر کاری بزنند.

از سوی دیگر حل پرونده هسته‌ای ایران از ورای گفت‌وگو و دیپلماسی به جای جنگ، جایگاه ایران در منطقه را تغییر داده و این همان چیزی است که کشورهای منطقه را سخت نگران کرده است. با توجه به تمامی این مسائل دولت یازدهم تا انتخابات ۹۶ راهی سخت را برای متقاعدکردن همسایگانش به اینکه «اولویت دولت در سیاست خارجی، روابط دوستانه و نزدیک با همه همسایگان خواهد بود»، در پیش دارد.

زاویه

یک دست صدا ندارد

آرزو فرشید
خبرنگار دیپلماسی شرق

● حدود سه سال از آغازبه‌کار دولت یازدهم گذشته و این دولت تاکنون بهترین نمره ممکن را در دیپلماسی گرفته است. ازهمین‌رو انتظار می‌رود بعد از موفقیت در پرونده دشوار، پیچیده و قدیمی هسته‌ای، اکنون از پسِ اختلافات موجود در منطقه برآمده و با همسایگان نیز روابط تعاملی داشته باشد. انتظاری که لازم است با یک نگاه واقع‌بینانه‌تر تعدیل شود چراکه نشانه‌های تمایل به بهبود روابط و برقراری صلح و ثبات در رفتار دیگر بازیگران منطقه و حتی فرامنطقه‌ای چندان مشاهده نمی‌شود. برای اینکه درک بهتری از اوضاع و احوال منطقه به عنوان عمق استراتژیک ایران و عملکرد دولت در آن داشته باشیم، خوب است که شرایط موجود را با حدود صد سال قبل مقایسه کنیم. در ابتدای قرن گذشته میلادی که ایران از شمال با ابرقدرت شرق و از جنوب با انگلستان و آمریکا -به واسطه حضور آنها در منطقه و کشورهایی همچون هند- مرتبط بود به چهارراهی استراتژیک و محل زورآزمایی شرق و غرب تبدیل شده بودیم و باید براساس الزامات همان زمان عمل می‌کردیم اما با گذر این سال‌ها خصوصا بعد از فروپاشی شوروی، شرایط به کلی تغییر کرده و حالا با وجود چالش‌ها و اختلافاتی همچون مسائل حوزه خزر و... با تهدیدی از جنس تهدیدات قرن گذشته مواجه نیستیم؛ به‌عبارت‌دیگر «کلان‌تهدیدها» به خرده‌تهدیدها بدل شده و تغییر در ماهیت تهدیدها سبب شده است که اکنون وجود قدرت‌های دیگر عامل نگران‌کننده‌ای برای ایران نباشند. در عوض دوران جدید ایجاب می‌کند مقابله با خطرات ناشی از رفتارهای گروه‌های تروریستی در دستور کار قرا گیرد و همان‌طور که شاهدیم مقامات مسئول در ایران نیز سیاست خارجی خود را در منطقه با همین رویکرد تنظیم می‌کنند. عمده‌ترین مشکلات و اختلافات منطقه‌ای را با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس خصوصا عربستان داریم. اختلافاتی که ریشه آن را نیز باید در همان قرن گذشته پیدا کرد. در این شرایط نتیجه به‌دست‌آمده در مذاکرات هسته‌ای این تصور را ایجاد کرد که تأکید بر گفت‌وگو و تعامل در منطقه نیز بتواند راهگشا بوده و به توافقی دیگر بینجامد.

ادامه در صفحه ۱۵